نامه ای منسوب به قوام السلطنه و نه به خط او

افشار، ایرج

تبلیغات و سایر ادارات مربوطهء سفارت انگلیس است که تحت‏نظر و سیاست وزیر مختار نامبرده مشغول کارند میباشد و تصور میکنم د راین گزارش هم اغراق شده است، زیرا در کجای دنیا سراغ دارید مملکتی از طرف بیگانگان اشغال شده باشد و از حیث آذوقه و غیره اهالی مملکت باین درجه از بدبختی رسیده باشند معهذا یک تجاوز جدی و تعرضی که بشود نسبت بآن اهمیتی قائل شد از طرف افراد آن مملکت نسبت‏ بقوای بیگانه بروز داده نشده باشد.در صورتیکه نظایر آن به‏اشد طرق در سایر کشورها هرروزه روی داده و قطعا جنابعالی بجزئیات آن آگاه میباشید،ولی در ایران باتمام‏ این سختی‏هائی که ملاحظه میفرمایند واقعا میتوانم عرض کنم که مردم بانهایت خونسردی‏ این صدمات را تحمل نموده و تجاوزی نسب بافراد و قوای خارجی و بیگانگان‏ نکرده‏اند.خود این رویه دلیل قوی بر این است که گزارش‏دهندگان رویهء اغراق‏ و گزاف‏گوئی را پیش گرفته‏اند.

بنابراین اگر دولت انگلستان تغییری در نمایندهء سیاسی خود در تهران بدهد شاید وضعیت ما بهتر از این گردد.در این نامهء خصوصی سعی کردم جنابعالی را تا آنجا که ممکن است از جریان داخلی مملکت مسبوق سازم و خیلی سازم و خیلی هم خوشوقت میشوم‏ که حضرتعالی نیز بنده را از نظریات خودتان مطلع فرمائید.

ارادتمند حقیقی،محمد ساعد

در بایگانی کشوری امریکا در شهر واشنگتن نامه‏ای ضبط است منسوب به قوام‏ السلطنه.این نامه که تحت عنوان«نامه‏ای از قوام السلطنه به آیز نهاور»در شمارهء 8/9 (زمستان 1365)«کتاب جمعه‏ها»(چاپ اروپا یا امریکا)چاپ شده است به خط قوام‏ السلطنه نیست.امضای زیر نامه هم که شباهتی به امضای قوام السلطنه دارد به خطی و دستی‏ لرزان است و پیچ‏وتابهای امضای استوار قوام السلطنه را ندارد.قوام السلطنه مقارن‏ همان اوقات نامه‏ای به خط خود شاه نوشته.مقایسه‏ای میان آن امضاء و امضاء نامهء منسوب به قوام موجب ایجاد شک در مجعول بودن نامهء موجود در واشنگتن است. چون ممکن است انتشار عکس آن نامه در نشریه مذکور موجب شود که ناآشنایان به‏ خط قوام السلطنه در نگارش تاریخ بدان استناد بجویند ضمن آوردن عکس آن نامه‏ از روی زراکسی که در کتابخانهء دانشگاه لوس‏آنجلس از آن نامه تهیه کرده‏ام،موارد اشکال و تشکیک را یادآور می‏شود و انتظار دارد محققان نظر خود را دربارهء این‏ نامه بنویسند.

1-نامه مسلما به خط قوام نیست.

2-امضا شباهتی به امضای قوام دارد.لرزش خط و حالت ساختگی آن در مقایسه‏ با امضای نامهء خطاب به شاه بخوبی مشهودست.

3-نامه از نیویورک به واشنگتن پست شده است آیا قوام در آن تاریخ آنجا بوده؟

4-آیا دفتر رئیس‏جمهوری امریکا نامه را از آن قوام السلطنه دانسته‏اند (نمیدانم؟)اگر آن را از قوام دانسته‏اند نظر قوام را چگونه تلقی کرده‏اند و چه‏ اقدامی دربارهء آن نامه شده است(محتاج تحقیق و رسیدگی اسناد بایگانی امریکاست).

5-آیا ممکن است قوام السلطنهء مقید به آداب منشی‏گری و سیاستمداری و نکته‏ سنجی چنین نامهء سیاسی را به انشای دیگری و به خط دیگری تهیه کند و زیر آن امضا بگذارد؟به خط دیگری بودن نامه دور از تشخص‏طلبی و آداب‏دانی اوست.جزین‏ دور از عقل می‏نماید که سیاستمداری در درجهء قوام السلطنه مطلب مهم سیاسی را با اطلاع دیگری به رئیس‏جمهورامریکا بنگارد،زیرا موجب افشای مطلب(درز کردن) آن می‏بوده است.

6-انشای نامه شباهتی به مکتوبهای قوام السلطنه ندارد.من شک دارم که قوام‏ السلطنه در نامهء سیاسی کلمات حماسی و تبلیغاتی استعمال می‏کرده است.«ندای عدالت و آزادی و نوید یاری و همراهی از تالار کنگره بر جهان طنین‏انداز شود»،«که برای‏ تحریر آن هفت هزار کلمه به کار رفته»،«میلیونها نفر تحت سلطه و یوغ استعمار سیاسی‏ و اقتصادی هستند»،از آن زمره است.آیا قوام السلطنه برای روزولت«شادروان»و برای استالین«مرحوم»استعمال می‏کرده است.

7-اگر نامه واقعی باشد باید دید انگیزهء قوام السلطنه در آن تاریخ از ارسال‏ آن چه بوده است؟آیا می‏خواسته است خود را به یاد سیاستمداران امریکا بیندازد؟

8-در عبارت«چشم داشت و انتظار ملت و دولت ایران از ملت و دولت امریکا به مراتب بیش از آن است که تاکنون به منصه ظهور رسیده».ذکر«دولت ایران»از طرف مردی مثل قوام السلطنه عجیب است.معمولا کسی می‏تواند آن را به کار گیرد که دارای سمت دولتی باشد و در آن وقت قوام السلطنه در کارهای دولتی نبوده است.

بهر تقدیر این نامه از اسناد قابل رسیدگی است تا معلوم شود که ماهیت واقعی‏ آن چیست و اگر از قوام السلطنه نیست چه کسی آن را به نام قوام ساخته و پرداخته‏ است.انتشار آن به منظور آن است که صاحب‏نظران مشکل‏گشایی نمایند و مورخان‏ بی‏دقت و تأمل به آن استناد نکنند.

ایرج افشار

اردوی قفقاز و مسائل ایران

این سند تاریخی در اوراق بازمانده از مستشار الدوله صادق به دست آمد و مربوط است به دوره‏ای‏ که در قفقاز شورای نظامی اردوی قفقاز مسلط بر امور آنجا بود و دربارهء اوضاع ایران این‏ قطعنامه را صادر کرده‏اند و در همانجا بصورت اعلامیه‏ای چاپ و منتشر شده است و نسخه‏ای‏ از آن را با پست برای مستشار الدوله که در آن ایام سمت وزارت داخله را داشت فرستاده بوده‏اند. این پاکت در هفتم ژوئیه 1917 به تهران رسیده بود.(طبق مهر ابطال تمبرش).یادداشتی که بالای‏ اعلامیه دیده می‏شود خط مستشار الدوله است.منظور از«انقلاب ایران»در اعلامیهء مذکور مقدمات‏ قیام جنگل و اقدامات مربوط به تشکیل اتحاد اسلام است.